مقدمه

اَلحمدُ لِلّه الذی سَمَکَ سماءَ العِلْمِ وزَیَّنَها ببروُجِها للناظِرینَ وعَلَّقَ علیها قَنادیلَ الاَنوارِ بِشُمُوسِ النبُوةِ واَقْمارِ الامامَة لِمَنْ اَرادَ سلوکَ مَسالکِ الیَقینِ وجَعَلَ نُجُومها رُجُوماً لِلشَّیاطین وَحَفَظَها بِثَواقِبِ شُهُبِها عَنْ شُبَهاتِ المُضِلّینَ ومَهَّدَ لِبَساتینِ الحکمةِ اَراضی قُلوبِ المُؤمنینَ واَجرا سُفُنَ النَجاةِ فی بِحارِ الاَنوارِ من احادیث المَعْصومینَ، اَلجامِعةِ لِدُرَرِ اَخْبارِ اَئمَةِ المُطَهَّرینَ وَالسّلامُ علی آلِ یاسین ولاسیّما خاتِمِ الوَصیّینَ.

هنر مردان بزرگ، تنها این نیست که پاسخ‌گوی «نیازهای عصری» زمان خویش‌اند؛ بینش فرازمانی و آینده‌نگری، دیگر ویژگی نخبگان است. در هم آمیختن علم و عمل و نیز سیاست و دیانت، از این افراد معجونی کمیاب و زندگی‌بخش می‌سازد که داروی بسیاری از دردهای فردی و اجتماعی بشر است. علامه محمدباقر مجلسی یکی از افراد نادر است که افزون بر بعد علمی ـ فرهنگی، شخصیت سیاسی ـ اجتماعی منحصربه‌فردی دارد. او با درک موقعیت ویژهٔ عصر صفوی، توانست از راه خدمات اجتماعی و آثار تألیفی گران‌سنگ، نام و یاد خویش را جاودانه سازد.

نقش ارزشمند علامه، زمانی روشن می‌شود که بدانیم ایران، از قرن هفتم هجری قمری به‌تدریج از دانش‌های نقلی فاصله گرفت و در مقابل، علوم عقلی مثل فلسفه،

کلام و... بر فضای فرهنگی جامعه سایه افکند. عصر صفوی (قرن ۱۱ق) در تاریخ تشیع، دوره‌ای برجسته به‌شمار می‌رود و درواقع این مقطع تاریخی، آغازی برای رشدِ نگاهی نو به دین و تعریفی جدید از اسلام برای نظارت بر مسائل فردی و اجتماعی بود.[۱] فرهنگ و معارف شیعی در این مقطع تاریخی، شاهد سه حرکت بزرگ شد:

۱. تدوین دایرةالمعارف‌های بزرگ حدیث، مانند *بحار الانوار*، *الوافی*، *وسائل الشیعة* و...؛

۲. تعمیق و شرح‌نویسی بر کتاب‌های حدیث با تدوین کتاب‌هایی مانند *مرآة العقول* (شرح *کافی*)، *ملاذ الاخیار* (شرح *تهذیب الاحکام*) و...؛

۳. تعمیم و ترجمهٔ احادیث به زبان فارسی برای عموم مردم.

از میان عالمان برجستهٔ این عصر، علامه محمدباقر مجلسی در هر سه حرکت سرآمد است.[۲]

با توجه به در دسترس نبودن متون شیعی در آغاز عصر صفوی و پس از رسمی شدن مذهب امامی در ایران، حرکتی گسترده برای تقویت تشیع، احیای کتاب‌های پیشین و بازیافت آنها آغاز شد. به دلیل آنکه بنیاد دولت صفوی بر پایهٔ تشیع بود، باید راه‌حل مشکلات و بحران‌ها، شیعی باشد و نیز باید از دل احادیث بیرون آمده و رنگ دیدگاه‌های اهل سنت را نداشته باشد. بنابراین، تمام تلاش‌ها، بر زنده کردن احادیث و شرح و بسط آنها متمرکز شد. این امر زمینه‌هایی فراهم آورد تا مانند قرن آغازینِ هجری قمری، آثار دایرةالمعارفی زاده شوند، که البته این بار، نگاه فراگیرتر بود. در این میان، *بحار الانوار* گل سرسبد این حرکت علمی ـ فرهنگی است.

---

۱. ر.ک: رسول جعفریان، «بحار الانوار از زاویهٔ نگاه دایرةالمعارفی»، مشکوة، ش ۸۰، پاییز ۱۳۸۲ (با تصرف).

۲. مهدی مهریزی و هادی ربانی، *شناخت‌نامهٔ علامه مجلسی*، ج ۱، ص ۳.

ارائهٔ تصویر معرفتی کامل از عالم و آدم بر اساس متون شیعی، هست‌ها و بایدها، هدف اصلی مرحوم مجلسی بود که در کتاب گران‌قدر *بحار الانوار* متبلور شده است.[۱]

یادآوری این نکتهٔ لطیف نیز می‌تواند بُعد دیگری از شخصیت مرحوم مجلسی را نمایان کند: هرچند تألیف *بحار* برای پاسخ‌گویی به نیازهای مردم عصر صفوی بود، جالب اینجاست که این عالِم ژرف‌اندیش، در دیباچهٔ *بحار* و در هیچ‌یک از جلدهای آن، نامی از پادشاهان عصر خود نبرده، باآنکه روش متداول نویسندگان عصر علامه، تجلیل از سلاطین بوده است.[۲]

در میان آثار پرارزش مرحوم مجلسی، *بحار الانوار* نامی بامسمّا، برای کتابی است که دریاهای عمیق از انوار کلام معصومان را در خود جای داده است. درواقع همان‌گونه که کتاب *کافی* بر تارک کتاب‌های جوامع اولی حدیث می‌درخشد، *بحار* نیز میان جوامع ثانوی تلألؤ کم‌مانندی دارد.

امام خمینی﵀ نیز *بحار* را این‌گونه معرفی می‌کند: «... مجموعه‌ای است از قریب چهارصد کتاب و رساله که درحقیقت کتابخانهٔ کوچکی است...».[۳] البته باید گفت امتیاز *بحار الانوار* تنها در گستردگی و حجم مطالب آن نیست؛ چنان‌که کتاب ارزشمند عبداللّه بحرانی اصفهانی از شاگردان علامه مجلسی به نام *عوالم العلوم*، هرچند ازنظر حجم و تعداد جلدها از *بحار* بزرگ‌تر است،[٤] به شهرت و اعتبار آن نمی‌رسد. ازاین‌رو باید تمایز این اثر جاودان مرحوم مجلسی را در ویژگی‌های دیگری یافت، مانند:

۱. ذکر آیات مناسب با موضوع باب در آغاز باب‌ها؛

---

۱. رسول جعفریان، «بحار الانوار از زاویهٔ نگاه دایرةالمعارفی»، *مشکوة*، ش ۸۰، پاییز ۱۳۸۲.

۲. علی عطایی خراسانی، *کارنامهٔ علامه مجلسی*، ص٦٩. برخی گفته‌اند ممکن است علت اهدا نکردن *بحار*، تمام نشدن آن باشد.

۳. روح‌الله خمینی، *کشف الاسرار*، ص۳۱۹.

٤. محمدحسن آقابزرگ تهرانی، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، ج۱۵، ص۳٥٦.

۲. نخستین تفسیر موضوعی شیعه؛

۳. ذکر سند کامل بیشتر روایت‌ها و آوردن نام کتاب یا اصل مربوط به حدیث؛

٤. دقت در انتخاب نسخهٔ کتاب‌هایی که روایت‌ها از آنها نقل شده و بیان درست یا نادرست بودن نسخهٔ کتاب؛

۵. استفاده از کتاب‌های حدیثی نادر یا مهجور؛

٦. اهتمام به گردآوری تمام حدیث‌های مربوط به یک موضوع؛

۷. بیان توضیح‌ها و حل مشکلات حدیث، بعد از آوردن اخبار؛

۸ محدود نکردن کتاب به احادیث فقهی و پرداختن به علوم و موضوع‌های گوناگونی همچون ادبیات و لغت، فلسفه و کلام، هیئت و نجوم، علوم طبیعی، ریاضیات، طب و تشریح و... .[۱]

درواقع مرحوم مجلسی در تدوین *بحار*، با نظارت علمی بر کار شاگردان خویش، نمونهٔ بسیار موفقی از یک پژوهش گروهی روشمند ارائه داده و نام خود را در ردیف پایه‌گذاران تحقیق گروهی ثبت کرده است. مرحوم علامه در مقام شخصیتی علمی ـ سیاسی، منشأ خدمات و برکات فراوانی است؛ مانند حفظ و تدوین کتاب‌های حدیث، ارشاد علمی جامعه به علوم اهل‌بیت علیهم‌السلام، مبارزه با خرافه‌ها، بازگرداندن توجه مردم از تصوف، تألیف کتاب‌های فارسی برای عموم طبقه‌های مردم، رسیدگی به امور مردم و گرفتن حق مظلومان.[۲]

معرفی این شخصیت کم‌مانند و مهم‌ترین اثر وی یعنی *بحار الانوار* به پژوهشگران، گامی برای رسیدن به آرمان‌هایی چون زمینه‌سازی ظهور موعود، احیای تمدن اسلامی و جنبش نرم‌افزاری و تولید علم است؛ زیرا بدون نظریه‌پردازی و

---

۱. ر.ک: مرکز الابحاث والدراسات الاسلامیة، *المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار*، مقدمه.

۲. ر.ک: مصلح‌الدین مهدوی، *زندگی‌نامهٔ علامه مجلسی*، ج ۱، ص ۲۰٦.

تولید علم، تمدن اسلامی شکوفا، و زمینه‌های ظهور منجی، فراهم نخواهد شد. تولید نظریه و جهش‌های علمی نیز به پژوهش‌های ژرف، مبتکرانه و همه‌جانبه نیاز دارد و این‌گونه تحقیق‌ها وام‌دار کتاب‌ها و منابع غنی حدیث است؛ یعنی بدون تکیه بر منابع دست اول و اصیل اسلامی، نتیجهٔ پژوهش‌ها، سطحی، کم‌مایه و در برخی موارد گمراه‌کننده خواهد بود. در آغازین حلقهٔ این سلسله نیز، کتاب‌شناسی قرار دارد که بدون آن، شناخت و مراجعه به کتاب‌های مرجع و دست اول به‌سادگی ممکن نیست.

دارالقرآن امام حسین

واحد خواهران

۱۳۹۰